

«فرهیختگان» دلایل تمایل نداشتن برخی فیلمسازان برای حضور در جشنواره فجر را بررسی می کند

پشت چشم نازک کردن برای جشنواره ملی

احمدرضا درویش که مانعی برای نمایش آن در دولت قبل وجود نداشت و خود کارگردان که این فیلم را با همراهی وزیر ارشاد دولت اصلاحات ساخته بود، خواست که افتخار آن به خزانه وزارت ارشاد احمدی نژاد نرود و برای همین تا فجر سی و دوم صبر کرد یا حتی «عصبانی نیستم» هم در همان سال اول مدیریت فرهنگی جدید، در فجر نمایش داده شد، اما این اتفاق یک بهار اندک بود و در ادامه، همه چیز فرق کرد. جشنواره فیلم فجر طی پنج، ۶ سال منتهی به ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی، هر سال بیشتر به سمت کم حاشیه تر شدن رفت و اساسا فجر؛ یعنی رویدادی که می شد در آن فیلم هایی را دید که امکان داشت دیگر هیچ وقت رنگ پرده را نبینند، تبدیل به مراسمی شد که نسبت به فضای عمومی سینما بسیار محتاطانه تر برگزار می شد.

چرا برای جشنواره طاقچه بالا می گذارند

در سال ۱۳۹۲ بسیاری از بزرگان و پیشکوتان سینما که با فیلم های بد و ضعیف جشنواره آمده بودند، در سالن های سینما با شلیک خنده مخاطبان تنبیه می شدند یا حتی در بعضی از صحنه های فیلم ها هومی شدند. این اتفاقات اولین چیزهایی بودند که امید می داد سینمای ایران بتواند از یوغ پدرسالاری مژمن اش خارج شود؛ اما سیستم محافظه کاری که مدیریت فرهنگی را به عهده داشت، آن دوره را صرفا برای دلخوشی علاقه مندان سینما و فروکش کردن تپ تاب ها به این شکل برگزار کرد و در ادامه، ما جرا به گونه ای دیگر درآمد. کمال تبریزی یکی از کارگردان هایی بود که طی سال های اخیر از سالن های جشنواره فجر باخورد مناسبی دریافت نکرد. دو اثر اخیر مسعود دهنمکی هم همین وضعیت را داشت. اما محمدرضا درمیشیان که تا به حال توانسته بود از حواشی فجر بهره فراوانی برای دیده شدن آثارش ببرد، امکان این نوع بهره برداری ها را برای اثر اخیرش کمتر دید. این افراد از حضور در جشنواره فجر سی و هفتم انصراف دادند و این در حالی است که با توجه به داغ شدن بحث پولشویی در سینمای ایران طی ماه های اخیر و قرار داشتن فیلم های درمیشیان و تبریزی در مظان اتهام، آنها بیشتر ترجیح می دادند که به فجر نیایند و در معرض نشست خبری فیلم شان و پرسش خبرنگاران از این موارد قرار نگیرند. البته تعداد افرادی که برای این دوره از فجر تصمیم گرفته اند در این رویداد نباشند، در نسبت با کسانی که فرم حضور را پر کرده اند، بسیار از وزن کیفی کمتری برخوردار است. اما طبیعتا اگر امروز فیلم سازی برای فرار از قضاوت شدن فیلمش توسط منتقدان و مخاطبان یا برای فرار از پرسش اهالی رسانه راجع به حواشی کاریش می خواهد که به فجر نیاید، نباید این نیامدن را نوعی استقلال و آزادیگی اش از یک رویداد هنری ملی جایزند. اگر مدیران فرهنگی کشور طی چند سال اخیر تا به این پایه فیلم فجر را ضعیف نکرده بودند، دیگر نمی شد یک فیلم ساز به دلیل عدم حضورش در این رویداد افتخار هم بکند. آنها، هم قانون عدم ممیزی فیلم ها برای نمایش در فجر را ملغی کردند و هم در سیاست گذاری های شان، جشنواره جهانی از بخش ملی جدا شد و مقدار قابل توجهی از وزن فجر را کم کرد. حالا اگر چه در مرحله اول می شود گفت که حرمت فجر را متولی اش نگه نداشت و مدیران فرهنگی وقت، با محافظه کاری های ناتمام شان باعث شدند کسانی بتوانند به حضور نداشتن در فجر افتخار کنند، اما این باعث نمی شود آنها بی که از میان خود اهالی سینما برای جشنواره ملی سینمای ایران، پشت چشم نازک کرده اند، تبرئه بشوند، به خصوص آنها بی که مدعی دفاع از ارزش های انقلاب هستند.



سال ۱۳۷۹، وقتی این فیلم را بالاخره ساخته بود و در فجر به نمایش گذاشت، با حواشی متعددی در سالن نمایش فیلم و نشست خبری آن مواجه شد. سنت هو کردن فیلم در جشنواره، اولین بار برای این فیلم بود که اتفاق افتاد و خبرنگاران روزنامه «سلام» به عنوان آغازگران این جریان، به فیلمی که بعدها هیچ گاه اکران نشد، واکنش نشان دادند. در همان دوره از جشنواره، اکران فیلم «موج مرده» حاتمی کیا هم با حواشی بسیاری همراه شد؛ هرچند که خود حاتمی کیا از حاشیه سازان فیلمش چنان سبقت گرفت که نهایتا کار به عدم اکران فیلم کشید. او از تمامی کسانی که برای فیلم حاشیه سازی می کردند، تند و تیزتر حاشیه ساخت و به این ترتیب، ورق جلسه نقد و بررسی فیلم در سینما آفریقا برگشت. حاتمی کیا وقتی فهمید حول و حوش فیلمش حاشیه ای در جشنواره ایجاد شده، بدون پا کردن کشش پشت موتورسیکلتش و پرید و بی اینکه متوجه همسرش باشد که به دنبال او می آمد، به سینما آفریقا وارد شد و نگاتیوهای سانسور شده فیلمش را روی دست گرفت و فریاد کشید: «ملت! فیلم من را مثله کرده اند...».

حواشی فجر بارها و بارها روی سرنوشت فیلم ها تاثیر گذاشته اند اما این هیچ گاه مانع از آن نمی شد که فیلمی در این رویداد به نمایش درنیاید. هر چند ممکن بود بعدها برای ابد در توقیف بماند. «زمهریر»، «گزارش یک جشن» و... نمونه هایی از آناری هستند که به رغم حداقلی بودن امیدها نسبت به اکران عمومی شان، در فجر به نمایش درآمده اند. تغییر سیاستی که مطابق آن، فیلم ها قبل از ممیزی اکران، در فجر نمایش داده می شدند. توسط دولت تدبیر و امید رخ داد. سال ۱۳۹۲ که دولت جدید روی کار آمده بود، تعدادی از آثار به نمایش درنیامده در دوران مدیریت جواد شمدردی در جشنواره فیلم فجر نمایش داده شدند. «قصه ها» فیلم رخشان بنی اعتماد که ساختاری اپیزودیک داشت و بدون داشتن پروانه ساخت فیلم بلند و با هفت مجوز فیلم کوتاه و کنار هم قرار گرفتن این فیلم ها ساخته شده بود، «خانه پدری» اثر پرحاشیه کیانوش عیاری، «رستاخیز»

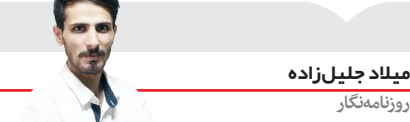
که این قاعده شکست و استثنایی به وجود آمد، فیلم «طعم گیلان» «مرحوم عباس کیارستمی بود. قبل از ساخته شدن این فیلم، بین وزارت خارجه ایران و مقامات فرانسوی لابی هایی صورت گرفته بود و قرار شد سینمای ایران اولین «نخل طلای کن» طی تاریخ خودش را در پنجاهمین سالگرد تاسیس این فستیوال دریافت کند. با این حال هر چه عوامل فیلم تلاش کردند، اتمام تولید آن به فستیوال فجر نرسید. اینجا بود که نادر طالب زاده مسئولیت مذاکره با مقامات فرهنگی ایران را به عهده گرفت و کاری کرد که «طعم گیلان» بدون نمایش در فجر به فستیوال فیلم کن برود تا به طور مشترک همراه با یک اثر چینی، نخل طلای پنجاهمین سالگرد تاسیس فستیوال کن را برنده شود. جالب اینجاست که

سال ها بعد و هنگامی که نماینده عباس کیارستمی درباره اکران فیلم «شیرین» در جشنواره فجر روی آنتن برنامه «هفت» آمد و با فریدون جیرانی در حال گفت و گو بود، گفت که شأن کیارستمی بالاتر از حضور در این جشنواره است. کیارستمی به عنوان اولین استثنای جشنواره فیلم فجر، چند سال بعد به هیات اولین فیلم سازی درآمد که برای خودش شانی بالاتر از رقابت های فجر قائل شد و به این ترتیب، روی اعتبار این رویداد فرهنگی در ذهن بسیاری از ایرانیان تاثیر گذاشت.

اما در دوره های بعد با زیادت در تولیدات سالانه سینمای ایران، کم کم به بعضی از آثار امکان حضور در فیلم فجر داده نمی شد. اولین اثر شاخصی که در میان کارگردانان آن خودش نخواست در فجر حضور داشته باشد، «شوکران» ساخته بهروز افخمی بود. افخمی بعدها در مصاحبه ای گفت که اگر این فیلم در جشنواره به نمایش درمی آمد و حواشی اش از همانجا شروع می شد، دیگر امکان اکران عمومی را پیدا نمی کرد.

سنت هو کردن فیلم ها از کجا شروع شد

ایمن اتفاق که افخمی از آن اعزاز کرده بود، پس از آن در مورد بعضی فیلم های دیگر واقعا رخ داد. مثلا ابوالقاسم طالبی که نتوانسته بود فیلم «آقای رئیس جمهور» را در دوره هاشمی رفسنجانی بسازد، دو سال بعد از «شوکران» و در



همه آنها بی که از نشان سوال های جدی داشتیم، آنها که می خواستیم بپرسیم هزینه ساخت آثارشان از کجا آمده، آنها بی که باید راجع به ژست منتقدانه شان در یک فیلم و در پیوست های رسانه ای آن فیلم، همزمان با گرفتن بودجه همان فیلم از نهاد های مورد نقدشان توضیح بدهند، آنها بی که سال هاست فیلم بد ساخته اند و کارشان نه در گیشه فروخته، نه اثر تربیتی خاصی داشته که ردیف بودجه های فرهنگی برایش توجیه داشته باشند و نه هیچ توجیه دیگری را می شود برای اینکه چطور بعد از شکست اثر اول، سراغ ساخت اثر دوم، بعد از شکست اثر دوم سراغ ساخت اثر سوم و همین طور تا چهارمی، پنجمی، ششمی و... رفته اند، همه اینها باید لااقل می آمدند و در محضر رسانه ها قرار می گرفتند تا به این سوالات پاسخ بدهند. یکی از عمده دلایل فرار بسیاری از فیلمسازان سینمای ایران از جشنواره فیلم فجر، فرار از پاسخ به همین نوع سوال هاست. اهالی رسانه و خبرنگارانی که می خواهند چنین سوالاتی را از این افراد پرسند، با از دست دادن فرصت «نشست خبری فیلم ها در جشنواره فیلم فجر» می توانند تمام طول سال را برای ایجاد یک هماهنگی با پرسش شونده ها دوندگی کنند و معطل بمانند و آخر سر هم دست خالی برگردند و فیلمسازانی که باید پاسخ می دادند، می توانند به راحتی حتی جواب تلفن کسی را هم ندهند و در نهایت با یکی دو رسانه همسو و با واسطه و رابط عمومی فیلم شان مصاحبه ای برای پاسخ به سوالاتی از این قبیل داشته باشند که «چطور شد فیلم به این خوبی ساختید؟»، «چطور شد مخاطب اینقدر از اثر شما استقبال کرد؟»، «چرا در سینمای ایران، همه به جز شما درگیر پروژه های فساد مالی شده اند؟» و...

فرار از محکمه مخاطبان و رسانه ها

یک دلیل عمده دیگر برای فرار از فجر، فرار از واکنش های مستقیم مخاطبان به مضامین فیلم ها و ویژگی های فرمی شان است. اگر فیلم سازی مطمئن باشد که فیلم به اصطلاح جدی اش در سالن های جشنواره باعث خنده تماشاگران نمی شود، اگر مطمئن باشد که مضامین به زعم خود او شجاعانه اش، با متلک پراکنی حاضران بدرقه نخواهد شد و به عبارت خلاصه، اگر از کارش مطمئن باشد، چرانباید خواستار حضور در فجر باشد؟ اصولا در سینمایی که به راحتی برای کم فروش ترین فیلم هایش آمار سازی می شود، آیا یک فیلم ساز اجازه خواهد داد که سالن های خالی نمایش فیلم، به عنوان سندی در مورد پایین بودن کیفیت کارش مورد استفاده قرار بگیرند؟ آیا او در همان مصاحبه های فرمایشی، چنان ادعا نخواهد کرد که اگر اکران فیلمش در جشنواره و واکنش مستقیم مخاطبان وجود داشت، نمی توانست ادعا کند؟ شاید بعضی از آثار برای نیامدن به فجر توجیهات خاصی داشته باشند که صحیح یا لااقل قابل درک باشد؛ اما کلیت آنچه این روزها در این خصوص دیده می شود، ذیل حکم کلی «میل فیلمسازان ایرانی برای فرار از محکمه مخاطبان و رسانه ها» قرار می گیرد.

آغاز سنت شکنی در جشنواره فیلم فجر

ابتدا قانونی وجود داشت که مطابق آن هر فیلمی در سینمای ایران، قبل از اکران عمومی اش باید در فجر به نمایش در می آمد. حتی فیلم ها قبل از حضور در جشنواره فجر نمی توانستند به فستیوال های جهانی بروند. اولین باری

جوایز ۶ بخش جشنواره عمار اهدا شد

آیین افتتاحیه نهمین جشنواره مردمی عمار با حضور نادر طالب زاده، وحید جلیلی، خانواده شهدا، جمعی از هنرمندان و علاقه مندان در حوزه هنری برگزار شد. در این مراسم از برگزیدگان بخش های هنری مختلف تقدیر به عمل آمد. **بخش پویانمایی** لوح افتخار بخش پویانمایی به اثر «روز از نو» به کارگردانی حسن اسدی رسید. همچنین فانوس جشنواره به پویانمایی «شهر هزار کیبوتر» به کارگردانی پوریا نیک منش و مریم هاشم نژاد رسید. **بخش نامهنگ** فانوس جشنواره به نامهنگ «علی کوچولو» به کارگردانی حامد حیدری رسید. همچنین جایزه ویژه این بخش به سید مهدی حسینی برای اثر نامهنگ های «قاصدک»، «خلوت خوب» و «خونه مادر بزرگه» اهدا شد. **برنامه تلویزیونی** لوح افتخار بهترین برنامه تلویزیونی به مستند «به وقت جام» به کارگردانی علیرضا بوالی رسید. همچنین فانوس جشنواره این بخش به برنامه تلویزیونی «دوران» به تهیه کنندگی فرشاد منجزی اهدا شد. **بخش تلویزیون اینترنتی** لوح افتخار نهمین جشنواره مردمی فیلم عمار در بخش تلویزیون اینترنتی به اثر «یک بسوم و ۲ هوا» به تهیه کنندگی فاطمه احمدی رسید. همچنین فانوس جشنواره این بخش به برنامه «شهرآرا» به تهیه کنندگی میلاد گودرزی داده شد. **ایتم های تلویزیونی، موشن گرافیک و کلیپ** هیات داوران در این بخش هیچ اثری را شایسته تقدیر ندانستند.

بخش گزارش خبری لوح افتخار این بخش به گزارش خبری «معلمان کی کارگی می کنند» به کارگردانی کاظم دهقانی اشکذری رسید. همچنین فانوس جشنواره بهترین گزارش خبری به «قاچاق سوخت» به کارگردانی سعید پرویزی رسید. جایزه ویژه بخش گزارش خبری نهمین جشنواره مردمی فیلم عمار به زهرا چخماقی خبرنگار صداوسیما و به پاس تلاش و مجاهدات های او در گزارش های خبری این مرکز داده شد. چخماقی جایزه ویژه این بخش که «دستکش ننه صمت» بود را از خانواده شهدا دریافت کرد و پس از دریافت این جایزه ویژه گفت: «تلاش من کنم تا وظیفه ام را به بهترین نحو انجام دهم، از همه شما و به ویژه خانواده شهدا درخواست دارم تا در این راه باایم دعا کنید.»

مراسم تقدیر از شیخ ابراهیم زکراکی در بخش دیگری از این مراسم، نوبت به تقدیر از شیخ ابراهیم زکراکی، رهبر مسلمانان نیجریه رسید. نادر طالب زاده در این بخش گفت: «یادمان نرود که وعده اصلی انقلاب اسلامی کمک به مستضعفان است و باید حواس مان هم به داخل و هم به خارج از کشور باشد. اولویت اصلی، داخل کشور است و سپس باید به قاره آفریقا توجه ویژه ای داشته باشیم. شیخ زکراکی نشان داد که به دنبال کشف حقیقت است. قاره آفریقا بسیار مستعد است. نشانه این قاره مستعد تحول سریع این مردم است و ان شاء الله که در آینده شاهد توسعه این جریان باشیم. باید اشاره کنم که امروز جای جهاد سازندگی بسیار خالی است. آنان روزگاری در آفریقا فعال بودند و کار می کردند. امیدوارم که بتوانیم این نهاد انقلابی را احیا کنیم و در مناطق دنیا به کار بپردازیم.»

بخش فیلم ما لوح افتخار این بخش به فیلم «یدی» به کارگردانی یزدان عربی رسید. همچنین فانوس جشنواره این بخش به فیلم «کلت» به کارگردانی سپیده شرابی اهدا شد.

بخش فیلمنامه لوح افتخار بهترین فیلمنامه به «اینجا سرزمین من است»، نوشته سید مهدی میرقیاسی اهدا شد. همچنین در این بخش رضادانش پژوه و میثم مهدوی را د جایزه بهترین «طرح فیلمنامه» را دریافت کردند. فانوس جشنواره بهترین فیلمنامه بلند به «لیست شنبه» نوشته محمدصادق رمضانی و حجت احمدی زر رسید.

بخش نقد، مقالات و پژوهش های سینمایی فانوس جشنواره بهترین پژوهش سینمایی به «مطالعه توزیع مردمی محصولات رسانه ای در اکران مردمی جشنواره عمار» نوشته رسول احمدی اهدا شد.

معرفی بهترین اکران کننده های مردمی جایزه بهترین اکران کننده مردمی به ترتیب به شهریانو عباسی از گروه اکران شهرستان آباده و آرزو میرآوندی از گروه اکران شهرستان باغ ملک داده شد.

تقدیر از حامد زمانی آخرین تقدیری که در این مراسم انجام شد، تقدیر از «حامد زمانی»، خواننده بود. در این بخش ویس از بخش مستندی از گفت و گو با خانواده حامد زمانی، او با همراهی علیرضا احمدی روشن، فرزند شهید احمدی روشن روی صحنه آمد.

چارسو



برنامه «عصر جدید» عنوان برنامه ای است که قرار است به بهانه استعدادیابی از شبکه سه سینما بخش شود. در تبریزی که از برنامه «عصر جدید»، منتشر شده شرایط شرکت در آن اعلام شده است. شرکت کنندگان در این برنامه در حوزه های ورزشی، سرگرمی، هنری و... می توانند شرکت کنند. احسان علیخانی اجرای برنامه «عصر جدید» را در شبکه سه به عهده خواهد داشت. او پیش از این سابقه اجرای ویژه برنامه ماه مبارک رمضان، یعنی «ماه عسل» را داشته است. این مجری علاوه بر این در زمینه تهیه کنندگی سینما نیز فعالیت کرده است. همچنین درباره کی بی بودن یا نبودن این مسابقه عنوان شده است: «استعدادیابی در تمام دنیا رواج دارد و هر کشوری متناسب با فرهنگ خود این مسابقه را برگزار می کند. این مسابقه شرایطی را فراهم کرده است که شرکت کنندگان چه خانم و چه آقا در هر رده سنی می توانند به صورت گروهی در این مسابقه شرکت کنند. در این تیزر اعلام شده است، اگر صاحب استعدادی در زمینه های سرگرمی، هنری و ورزشی هستید و برای ارسال ویدئو و شرکت در این مسابقه، سوال و ابهامی دارید، این فیلم به سوالات و ابهامات شما پاسخ می دهد. مسابقه «عصر جدید» قرار است روزهای آینده از شبکه سه سیما روی آنتن برود.



سال گذشته گزارشی در صفحه فرهنگی روزنامه فرهیختگان درباره وضعیت خانه «نیمایوشیچ» منتشر کردیم که به باتوق معنادار تبدیل شده است و حالا بعد از یک سال و قول های زیادی که از سوی شهرداری تهران و سازمان میراث فرهنگی داده شد، گویا قرار نیست که هیچ اتفاق درخوری برای این خانه صورت بگیرد. محمد عطیمی که عضو هیات راهبردی موزه نیمه در پوش است درباره وضعیت این خانه می گوید: «مالک خانه نیمه به علت بی مسئولیتی متولیان فرهنگی و ایجاد ارزش افزوده اقتصادی در گذر زمان، اقدام به طرح شکایتی در دیوان عدالت اداری کرد و با ادعای نبودن نام نیمه در اسناد مالکیت این مکان، در آن زمان خواستار خروج این خانه از فهرست آثار ملی شد. بنا به اظهارات عطیمی، ارائه ندادن اسناد کافی توسط سازمان میراث فرهنگی به دیوان عدالت اداری باعث شد تا حکم به خروج خانه نیمه از فهرست آثار ملی داده شود و با تغییر مدیریت میراث فرهنگی استان تهران و رحمان زاده مدیر وقت شرکت توسعه فرهنگی شهرداری تهران، قول پیگیری و خرید خانه نیمه دادند. اما حالا حسن خلیل آبادی، عضو شورای شهر می گوید در حال حاضر میراث فرهنگی نمی تواند ملک نیمه را بخرد.



همایون اسعدیان، کارگردان سینما در گفت و گو با برنامه رادیویی «نقطه سرش» در شامگاه ۹ دی ماه با اشاره به سرمایه گذاری های جدید در سینما گفت: «معتقدم ما باید از زورود هر سرمایه ای به سینمای ایران استقبال کنیم و چقدر خوب است که آدم های علاقه مند به فرهنگ پیدا می شوند؛ اما مشکل بحران ساز این است که این سرمایه ها در سیستم درست تولیدی وارد نمی شوند.» کارگردان «طلا و مس» با بیان اینکه عوامل پشت صحنه به شدت نسبت به بازیگران موضع گیری دارند و من این را در یک سال گذشته با چشم ها و گوش های خودم احساس کردم، افزود: «این موضوع بسیار خطرناک است. وقتی شما به بازیگر یک میلیارد تومان دستمزد می دهید و عوامل پشت صحنه دستمزدشان در حد ۵ تا ۱۰ میلیون تومان است، چرا باید کینه و شکاف طبقاتی ایجاد نشود. متاسفانه سروسس دهی به بازیگران نیز از عوامل فیلم جدا شده و در بعضی از فیلم ها، میز غذای بازیگران با عوامل پشت صحنه فرق دارد.» وی ادامه داد: «من نمی دانم چرا دوستان کارگردان حواس شان به این قضیه نیست. بازیگری که یک میلیارد تومان دستمزد می گیرد به مرور دیگر شما را به عنوان کارگردانی که دستمزد ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون تومانی می گیرید، قبول ندارد.»



امسال هم در آستانه سالروز نهم دی ماه، فیلم، سینمایی «قلاده های طلا» به کارگردانی ابوالقاسم طالبی در تلویزیون بخش شد و البته این بخش با واکنش اولیه کارگردان این فیلم نسبت به سانسور بخش هایی از فیلم همراه بود. ابوالقاسم طالبی در صفحه شخصی اش در توئیتر نوشت: «امشب (نهم دی ماه ۹۷ ساعت ۲۰:۳۰) از بیت رهبری با بنده تماس گرفتند و پیام ایشان را به اطلاع بنده رساندند. حضرت آقا فرمودند: «دیشب مجددا فیلم شما را از شبکه افق دیدم آفرین، آفرین، آفرین؛ دست شما درد نکند از قول من به بازیگران سلام برسانید.» او در ادامه این توثیت نوشته است: «ولی چند نفری هم بدچوری دائم شرک می زنند برای فتنه گرها و سعی دارند برای من نقطه ضعفی درست و آن را بزرگ کنند تا ما نام لایبرالسم را امضا کنیم و مثل خیلی از همکاران، بی خیال مبارزه با لکه های سیاه در پهنه نورانی و خورشید فام جمهوری اسلامی شوم و بی آبرو در لاک خود فروورم. اگر بندیدن استخوان هایم را جدا سازند و اگر سرم را بالایا در ببرند، اگر زنده رنده در آتش بسوزانند هم گز امان نامه لایبرالسم را امضا نمی کنم و دست از اندیشه های نورانی امام خمینی (ره) و جانشین خلفش حضرت سیدعلی روحی فدا بر نمی دارم.»

طالبی از تحسین دوباره رهبری از فیلمش خبر داد

هشدار در مورد شکل گیری کینه طبقاتی در سینما

خانه نیمه را نمی توانند بخرند